

گروهی، محمود کرداورنگ

PIR 131/1A3

گفتار علی لاری

مجله لیگو سروشنه‌های بلوچی گردآوری و برگردان منصور مؤمنی، لئوگرافی: ایندهرداز، چاپ: مسویر

مجله لیگو سروشنه‌های بلوچی، چاپ: نخست، ۱۳۸۳، شمارگان: ۱۵۰۰، نشر مشکی، تهران ۷۷۶۰ ۷۴ ۷۲

ISBN: 964-8765-12-x

شماره: ۹۶۴-۸۷۶۵-۱۲-x

www.meshkipublication.com

info@meshkipublication.com

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است

www.ketab.ir

صد لیکو

سروده‌های بلوچی

گردآوری و برگردان: منصور مؤمنی

www.ketab.ir

یادآوری‌ها

لیکو را بسیاری به عنوان آوازی بلوچی می‌شناسند که شناختی به‌حق هم هست. من اما در این دفتر فقط به شعر لیکو پرداخته‌ام و سخنی از موسیقی آن به میان نیاورده‌ام: آن هم به دو دلیل ساده: در این دریا شناگری نمی‌دانم و بر آن صحرا پای رفتنم بوده است.

زبان بلوچی - دست کم در بلوچستان ما - هنوز رسم الخط ثابتی نیافته است و این، در موارد بسیاری نگارش کلمات را با مشکل روبه‌رو می‌کند. مثلاً در بلوچی حرفی داریم که تلفظ آن صدایی بین میم و نون دارد،^۷ در کلماتی مانند من، چارن و یا فیالیکن (این حرف را گاهی به صورت ن بی‌نقطه می‌نویسند) و حرف دیگری نیز هست که صدایی بین ت و دال دارد و آن را در کلماتی مانند لنتان، پندگ و لَدی می‌شنویم. (این حرف را گاهی به صورت دال با طایی بر سر می‌نویسند.) من در نگارش لیکوها از رسم الخط فارسی استفاده کردم، در مورد حرف نخست شکل مرسوم نون را برگزیدم و در مورد حرف دوم به فراخور کلمه از ت یا دال بهره بردم.

بی‌زارم از این که بر شانه‌ی کلمه‌ای در وسط شعر عددی نشان داده‌ام و از چرایی را نشانه‌گذاری کنم. به‌همین دلیل برخی از کلماتی را که ممکن است برای خواننده‌ی ناآشنا با منطقه‌ی بلوچستان غریب باشد، توضیح مختصری می‌دهم: همین‌جا:

روسی نامی است عمومی برای موتورسیکلت‌های ساخت شوروی سابق که سال‌ها در سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان به کار گرفته می‌شد و هنوز هم کم و بیش می‌شود.

سرباز: مناطقی است در جنوب بلوچستان و نزدیک به چابهار که کروکودیل‌ها و برهنگالی مشهور دارد و صد البته راهی پر پیچ و خم، سوران: مناطقی در مرکز بلوچستان و نام شهر کوچکی است در نزدیکی سراوان.

سرحد: یکی از دو منطقه‌ی اصلی بلوچستان به‌شمار می‌آید که خاستگاه اصلی لیکو نیز می‌باشد.

سیمسور: گیاهی بهاری و خودرو که در تازگی و خردی خوراک انسان است و وقتی بزرگ و درشت شود، سه‌پا می‌شود.

بیمپور: شهری در نزدیکی ایرانشهر که رودخانه و سدّی هم به همین نام دارد.

سبب: یکی دیگر از شهرهای کوچک نزدیک به سراوان است که گاهی نام آن همراه با سوران برده می‌شود.

ریگپوت: روستایی مرزی در نزدیکی شهر مزری مریج‌آه.

در گردآوری و ترجمه‌ی این اشعار یاران بسیاری با بی‌ام کرده‌اند که سپاس‌گزاری از تک‌تک آنان تنها کاری است که می‌توانم: به‌خصوص آقایان دکتر موسی محمود زهی، دکتر فرشید اربابی و جناب محمود خلیلی؛ با یادی از موسی زنگشاهی نوازنده‌ی پیر بلوچ و جوان هم‌کارم در دانشگاه آزاد ایرانشهر که لیکوهای زیادی را از زبان مادر بر کاغذ آورد و به من هبه کرد، و شرم‌نده ساندهام که نام‌اش را گذر سال‌ها از خاطرم برده است.

مقاله‌ای که با نام اشارات در صفحات بعد می‌خوانید؛ پیش از این در ماهنامه‌ی کلک شماره‌ی ۷-۹ دوره‌ی جدید به چاپ رسیده که به‌جاست درودی نثار دوست‌ام جناب کسرا عنقا‌یی کنم که عامل نگارش و چاپ و چاپ آن شد.

منصور مؤمنی

۱۳۸۳

۱۱

www.ketab.ir